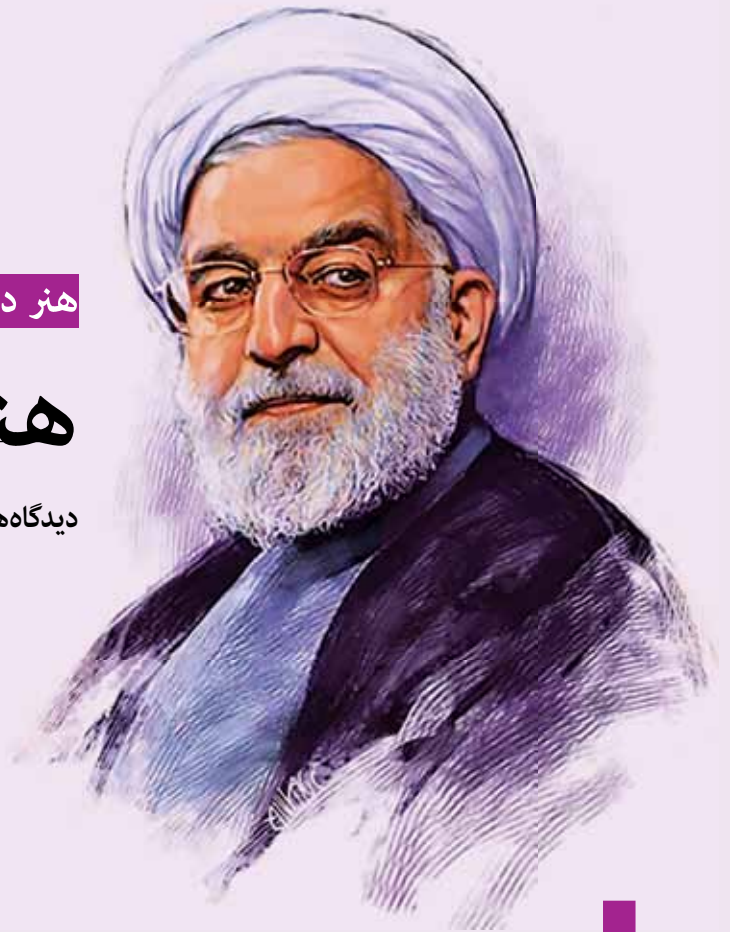


هنر در نگاه دولت تدبیر و امید

هنر همان خوبی است

دیدگاه‌های هنری حجت‌الاسلام دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران



اشاره

در طول نزدیک به ۳۵ سال که از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد، همواره نگاه مثبت دولت‌ها به موضوع هنر سبب تشویق اهل هنر و تلاش و کوشش فعالان آنان برای پدید آوردن آثار هنر شده است. حجت‌الاسلام دکتر حسن روحانی در تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۹۲، در اولین دیدار خود با اصحاب فرهنگ و هنر مطالبی در اهمیت هنر و منزلت و جایگاه هنرمند بیان داشت که با خرسندی مورد توجه اهل هنر قرار گرفت. بیانات دکتر روحانی در مورد هنر سرشار از امید و صمیمیت بود، به گونه‌ای که می‌توان آن را فصل تازه‌ای در رویکرد دولت‌ها به این پدیده‌ی متعالی و فاخر انسانی به‌شمار آورد. همکاران حوزه‌ی هنر تعلیم و تربیت نیز که پایه‌گذاران تربیت هنری و هنرمندسازان اصلی جامعه به‌شمار می‌روند، با مرور و آگاهی از دیدگاه‌های انگیزه‌بخش ریاست محترم جمهور می‌توانند فرایند آموزش هنری را از نشاط و سرزندگی بیشتری برخوردار سازند. «رشد آموزش هنر» با درک این ضرورت به درج بخش‌های اصلی این دیدگاه‌ها مبادرت کرده است و معنی‌یابی بیشتر این فرازها را به همکاران گرامی پیشنهاد می‌دهد.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين.
 [امشب] برای من شبی به یاد ماندنی است، چون میهمان اصحاب فرهنگ و هنر و فرهیختگان هستم. دعوت و میهمانی شما را پاس می‌دارم. با اهل هنر از هنر گفتن بسیار سخت است. معمولاً دولتمردان، سیاستمداران و حتی فیلسوفان و روشنفکران، چونان با هنرمندان سخن گفته‌اند که گویی قصد تعیین تکلیف برای آنان دارند. آنان نگاه هنرمندان را

چونان در قالب و فرم آن خلاصه دیده‌اند که فکر کرده‌اند، هنر دستور دادنی و سفارش کردنی است.
 هنر قالب نیست، هنر قالب و معناست. هنر خلاقیت است. این نوع جلسات هم برای هم‌اندیشی و هم‌فکری اهالی اقلیم‌های متنوع فکری است تا از یکدیگر درک نزدیک‌تر و متقابلی داشته باشیم.
 ذات هنر با مفهوم خیر و نیکی یکی است. قبل از عصر جدید، هنر بسیار فراتر از هنرهای زیبا تفسیر می‌شد. هنر گفت‌وگو، هنر معاشرت، هنر دیپلماسی، هنر زندگی مسالمت‌آمیز، هنر

زندگی بدون کینه و هر کار بی‌عیبی هنر است.

هنر هر کار بدون عیب است و ما همه باید تلاش کنیم هنرمندانه حرف بزنیم، عمل کنیم و تعامل داشته باشیم؛ یعنی هنر مردمداری. هنر و ارزش، پیوندی ذاتی دارند. هنر یعنی عروج فکر از سطح عادی به سطح متعالی؛ همان که در عرفان و فلسفه اسلامی به عالم اعلا تعبیر می‌شود. هر هنرمندی می‌خواهد به معنای جهان و عمق جهان برسد. علاوه بر اینکه هنر به همه جان می‌دهد، این هنرمند است که رودخانه را، کوه‌ها را، بلبل را، شمع را و پروانه را به سخن و می‌دارد.

اگر بگوییم هنر مرده را زنده می‌کند، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. پس تقسیم هنرمندان به هنرمندان ارزشی و غیر ارزشی بی‌معناست. هنر یعنی ارزش و هنرمند [فرد] ارزشمندی است که با کار خلاقانه به تعالی می‌رسد و خلقت، بزرگ‌ترین مظهر قدرت خدای لایزال است. فقط در این زمینه است که فتبارک الله احسن الخالقین. هنرمند جهان را بازآفرینی می‌کند و کار او در مسیر ارزش‌های الهی است.

هنرمند البته در مسیر هنر، باید به مردم، ذوق مردم و خواست مردم خود را نزدیک کند. هنر بدون آزادی معنا ندارد و خلاقیت تنها در سایه حریت امکان‌پذیر است. اما اعمال محدودکننده‌ای نیز برای هنر وجود دارد. قبل از آنکه سانسور و ممیزی به دولت‌ها منتسب شود، خود جوامع بشری و اجتماع، اولین قدم قرار دادن چارچوب برای هنر است. عادات، رسوم، اخلاق جامعه، فهم‌ها و درک‌ها، همه این‌ها مرزبندی‌هایی را برای هنر مشخص می‌کند. گفت: هنر مردمی باشد و راستی.

حافظ شیرازی، می‌تواند مقتدای هنرمند ایرانی باشد

همه هنر همین است که حکیم سخن، فردوسی بزرگ گفته است: مردمی بودن و صداقت. این همه هنر است. من گاهی اوج هنر ایرانی را در حافظ می‌بینم؛ حافظ شیرازی. هنرمند ایرانی می‌تواند مقتدایش حافظ باشد. حافظ، حافظه تاریخی، ادبی و هنری ملت ایران است. با سینه‌های مالامال از آموزه‌های دینی و قرآنی، اما از چهل و خرافه و ریا بیزار.

هنر شاعری یکی از قالب‌های باستانی هنر این سرزمین است. در واقع، شاعری هنر ملی ایرانیان است. حافظ با همه نقد و انتقادی که بر حکومت و جامعه داشت، در طول تاریخ کتابش قدر دیده و بر صدر نشسته و گاهی آن چنان تعالی یافته که جایگاهش در کنار کتاب حق و قرآن مجید قرار گرفته است. حافظ به قول بعضی‌ها، رند روشن فکر زمان خود بود. در عین ایمان و در عین انتقاد، هرگز از ایمانش دست برنداشت و هرگز از انتقادش پشیمان نشد.

هنرمند نه قرار است زینت‌المجالس باشد و نه اپوزیسیون. هنرمند نه قرار است نوک پیکان تحولات سیاسی باشد و نه

قرار است گوشه‌نشین خرابات و خانه. هنرمند قرار نیست هر چه دولت یا جامعه یا حتی روشن‌فکران می‌گویند به تصویر بکشد، که برداشت خود را دارد و قرار هم نیست که با دولت یا جامعه در ستیز باشد و بجنگد.

هنرمند، انسان اهل فکر و فن و اهل دل است. برای برخی از هنرهایی که ثبت آن‌ها و خلق آن‌ها نیاز به کمک دیگران دارد، نباید در این زمینه دچار تردید و هراس شویم.

ما اولین روزهایی که با جناب آقای جنتی به صدا و سیما رفتیم در سال ۱۳۵۹، جزو اولین آثاری که بنا شد بینیم و برای تکمیل آن تصمیم بگیریم، کار مرحوم علی حاتمی بود. آن کار، آن زمان با بودجه عمومی انجام می‌گرفت و کار هنوز تکمیل نشده بود. هنوز فیلم مونتاژ هم نبود، ما قطعه قطعه فیلم را آن وقت می‌دیدیم. اما معنایش این نیست که اگر هنرمند صاحب نامی سفارشی را دریافت کرد، ذوق هنری او تسلیم آن سفارش باشد. او همچنان باید از خلاقیت خود استفاده کند. این چنین مشهور است که شاهنامه نیز به سفارش سلطان محمود سروده شد، اما در واقع این شاهنامه سفارش یک ملت و یک تاریخ بود. آثار عظیم معماری از قبیل تخت جمشید و آثار اسلامی در اصفهان هم با حمایت حکومت بود، اما امروز به‌عنوان نماد یک ملت شناخته می‌شود.

هنر و آزادی رابطه مستقیم دارند

هنر و آزادی رابطه مستقیم دارند. در غیر فضای آزاد، هنر واقعی خلق نخواهد شد. در بخش هنر نمی‌توانیم با دستور هنر را بیافرینیم و خلق کنیم. هر گونه فضای امنیتی می‌تواند جوانه هنر را بخشکاند. به تعبیر اقبال، هرگاه خشک مغزی کوه نظر زمام امور را در دست گرفت، هنر مجال بروز نیافت.

پس باید فضای مناسب را برای هنر فراهم کنیم. دولت برای خود رسالت ترویج را بر عهده می‌گیرد، نه اینکه هنرفرمایی را در دستور کار خود قرار دهد. البته در برخی از موضوعات ملی، مثل «فرهنگ ایران و اسلام» که هویت اسلامی و ایرانی ما را نگه می‌دارد و تعالی می‌بخشد، دولت موظف است از آن‌ها حمایت بیشتری کند.

ای کاش می‌شد افتخارات هنری ما به نمایش در می‌آمد. ای کاش می‌شد [روی] داستان‌هایی که در شاهنامه فردوسی، در مثنوی مولوی [هستند] که هر دو آن‌ها آکنده از قصه‌های دینی و ایرانی است، به‌صورت آثار نمایشی، سینمایی، تلویزیونی و حتی رمان‌های خواندنی سرمایه‌گذاری می‌شد.

مام(ره) بین مردم متدین و هنر اشتی برقرار کرد

دولت خود را موظف می‌داند در این گونه امور، هم قدم‌های تشویقی و هم قدم‌های حمایتی بردارد.

نکته دیگری که می‌خواهم بر آن تأکید کنم نقش انقلاب اسلامی در تاریخ هنر و [تأثیر آن] بر هنر این سرزمین است.

اگر کشوری بخواهد در برابر دشمن بایستد، این هنرمند است که می تواند روحیه مقاومت و ایستادگی را در میان مردم زنده نگاه دارد؛ همان کاری که هنرمندان متعهد در دوران دفاع مقدس انجام دادند

به هم اعتماد کنیم؛ دوران، دوران اعتماد است. وظیفه دولت مداخله در هنر نیست، وظیفه ذاتی دولت تأمین مسائل مهم و ملی است، مثل مسئله امنیت و سیاست خارجی که سیاست خارجی و اعمال دیپلماسی صرفاً از طریق دولت انجام می گیرد و نهاد دیگری حق مداخله ندارد. البته خطوط کلی سیاست خارجی طبق قانون اساسی توسط رهبری معظم تعیین می شود، اما در حوزه های دیگر، مثل اقتصاد و فرهنگ باید تصدی گری دولت به حداقل برسد. در شرایطی نیستیم که دولت بتواند آثار هنری خلق کند و هیچ دولتی نتوانسته است آثار هنری فاخری به وجود بیاورد.

دولت کتاب نمی نویسد، فیلم نمی سازد، موزیک نمی سازد، شعر نمی سراید. دولت باید تسهیل کننده راه برای اصحاب فکر و هنر باشد. پادمان باشد و همه بدانیم هنر خطر نیست و هنرمند امنیت کشور را به مخاطره نمی اندازد. به هنر و هنرمند اعتماد کنیم، نگاه امنیتی به هنر بزرگ ترین اشتباه امنیتی است. در بحث امنیت، اولین قدم تشخیص منابع تهدید است. در جامعه امروز، منابع تهدید ما آسیب های اجتماعی است؛ از فقر و فحشا گرفته تا رواج بی اعتمادی اجتماعی و فساد اقتصادی.

این آسیب هاست که رابطه صحیح بین دولت و ملت را، اگر سریع چاره نکنیم، می خشکاند، تهدید آسیب هاست نه هنرمندی که می تواند مظهر نشاط، امید، اتحاد و هم بستگی ملی ما شود. صدا و نوا و توانایی در نمایش و ساخت یک اثر تجسمی، گاهی می تواند دردها را کاهش دهد و گاهی می تواند آرزوهای یک ملت را محقق کند. همین هنرمند است که می تواند آینده را با تخیل و هوشمندی اش و با خلق آثارش نقد و ترسیم کند و راه آینده را بهتر مشخص کند. ما اگر به هنر و هنرمند با نگاه امنیتی نگاه کردیم، اولاً تهدیدات اصلی را فراموش کرده ایم، ثانیاً هنرمندی را که می تواند ما را متوجه تهدیدات واقعی کند، از وظیفه اش باز داشته ایم.

اگر بحث تهاجم فرهنگی داریم و می گوییم دیگران برای یکسان سازی فرهنگی تلاش می کنند، وقتی پر و بال هنر و هنرمند را بستیم، در حقیقت باند فرود را برای هواپیماهای دشمن آماده کرده ایم. وقتی فرزندان این سرزمین نتوانند قهرمانان خود را در میان محصولات فرهنگی وطنی و خودی ببینند، ناچار به دنبال قهرمانان آن سوی آب ها خواهند بود؛ خطر اینجاست. حتی اگر کشوری بخواهد در برابر دشمن بایستد، این هنرمند است که می تواند روحیه مقاومت و ایستادگی را در میان مردم زنده نگاه دارد؛ همان کاری که هنرمندان متعهد در دوران دفاع مقدس انجام دادند. به اعتقاد من اگر فضای هنری فعال در عراق و افغانستان بود، اشغال این دو کشور امکان پذیر نبود.

شما می دانید قبل از پیروزی انقلاب بخش بزرگی از جامعه ما از هنر فاصله داشت. امام راحل به عنوان احیاگر قرن که آزادی را برای این سرزمین به ارمغان آورد، یکی از خدماتش این بود که بین مردم متدین و هنر آشتی برقرار کرد. در دوران او بود که به عنوان یک فقیه و مرجع عالی قدر، حلیت هنر موسیقی با سرودهای انقلابی و میهنی فراهم شد.

در عصر او بود که بسیاری از آثار ادبی و هنری اجازه نشر یافتند. در تاریخ روحانیت شیعه، امام تنها فقیه‌ی بود که از یک فیلم و فیلم ساز روشن فکر به نیکی یاد کرد. انقلاب راه را برای توسعه هنر در همه لایه های اجتماعی فراهم نمود. انقلاب، موسیقی سنتی و یا به بیانی بهتر موسیقی ملی ایران را احیا کرد. قبل از انقلاب موج موسیقی های غربی و پاپ در حال ویران کردن موسیقی سنتی بود، اما انقلاب شرایطی را فراهم کرد که هنرمندان بزرگی که قبل از انقلاب نیز شناخته شده بودند، در فضای امن و سالم بعد از انقلاب رشد کردند و بالیدند و تیراژ موسیقی سنتی ما بالا رفت و بازار پررونقی پیدا کرد.

در حوزه سینما و هنر نمایشی نیز انقلاب اسلامی برکات زیادی داشت. همه منتقدان فیلم اذعان دارند که دهه ۷۰، دهه اوج سینمای ایران بود و آثار بزرگ، بحث انگیز، متفکرانه و هنرمندانه ای به جامعه عرضه شد؛ تا جایی که امروز ایران یکی از مدعیان جوایز جهانی مانند «اسکار» است.

جالب تر اینکه در فضای بعد از انقلاب، زنان و بانوان هنرمند بسیاری در بخش های مختلف هنر از جمله در سینما رشد کردند؛ تا جایی که نه تنها بازیگری را بر عهده گرفتند، بلکه توانستند در کارگردانی و نویسندگی نیز نقش خود را ایفا کنند. در حالی که قبل از انقلاب خانواده های متدین و مذهبی این کشور اجازه نمی دادند فرزندان و اعضای خانواده آن ها در این زمینه ورود کنند. این یکی دیگر از خدمات انقلاب اسلامی بود. این دولت قصد ندارد ممیزی را در فرهنگ و هنر به صورت راه و مسیری که مانع کار هنرمندان باشد، ادامه دهد. ممیزی باید در چارچوب قانون و هدفمند باشد. اگر قانون ابهام دارد، باید قانون و چارچوب شفافتری را در اختیار همه قرار دهیم تا تکلیف همه روشن باشد؛ کار وزارت ارشاد باید تقریباً یک کار اداری باشد.

اگر می خواهیم کار ممیزی را انجام دهیم، باید گروهی از فرهیختگان، اندیشمندان، هنرمندان، عالمان، حتی عالمان دینی در کنار یکدیگر بنشینند و آن ها باشند که بر هنر نظارت کنند، هنرمند می تواند بر هنر نظارت کند. کارمند دولتی نمی تواند ناظر خوبی برای هنر باشد.

دوران، دوران اعتماد است

چرا نظارت بر سینما و کتاب و موسیقی را به اهلش واگذار نکنیم؟ چه اشکال دارد که انجمن های صنفی بخشی از بار مسئولیت وزارت ارشاد را بر دوش گیرند؟